

# شرق

روزنامه

یادبود

دومین سالگرد بزرگداشت محمد امیر مظاهری برگزار شد

## فراق دو ساله شد



عکس: سهند تاجی، شرق

در یک نیم‌روز آفتابی اسفندماه در قطعه ۹ بهشت زهرا خانواده و دوستان و همکاران زنده‌یاد محمد امیرمظاهری گرد هم آمده‌اند تا یاد او را زنده نگه دارند. آخرین روزهای سال، مظاهری بیش از هر زمان دیگر به روزنامه می‌آمد؛ چراکه می‌دانست در این روزهای پایانی، حضورش مایه دلگرمی و امید به آینده است؛ امید به آینده‌های سخت. بدون اغراق روزنامه‌نگاری با همه شیرینی‌هایش همواره رو به سختی گام برمی‌دارد. شاید از همین روست که محمد امیرمظاهری همیشه در میان خانواده و دوستان و همکارانش زنده است؛ چراکه در همه سختی‌ها یاریگر بوده است. او سال‌های سال یاور و همراه مطمئن برای اهالی فرهنگ و رسانه بود و در کنار آنان ایستاد. مهم‌ترین درسی که می‌توان از او آموخت این است که چگونه انسان می‌تواند پای کارهایی که دوست دارد بایستد و همه سختی‌هایش را به جان بخرد.

اینکه کسی کمک بخواهد، کمک می‌کرد و کسی از مجتبی بی‌بهره نماند. پس از درگذشت آدم‌ها، نام آنها یادآور خصایص آنهاست؛ چیزهایی که تا ابد در ذهن آدم‌ها می‌ماند و اگر کسی خاطره یا خصوصیاتی از آن فرد را تعریف کند، دیگران تایید و تصدیق می‌کنند؛ خلقی که بعد از محمد امیرمظاهری در یاد آشنایانش باقی مانده، مهر و حمایت و بخشش است و پس. پروانه قادرپناه، همسر مرحوم امیرمظاهری می‌گوید: «محمد برای راه‌انداختن کار آدم‌ها نه نمی‌گفت، خصوصا اگر می‌فهمید آن فرد پول را برای خرید خانه می‌خواهد یا مشکلی دارد. حتی اگر پول نداشت، از کس دیگری قرض می‌گرفت تا بتواند مشکل آن فرد را حل کند. برایش مهم بود که کار دیگران را راه بیندازد.»

۴۸ سال از ازدواج پروانه قادرپناه و محمد امیرمظاهری می‌گذرد، ازدواجی که حاصل آن دو فرزند به نام‌های گلنوش و کیانوش است. پروانه قادرپناه، دانشجوی رشته هتلداری بود که برای دیدار با خانواده‌اش از انگلستان به ایران بازگشت و در این سفر با محمد امیرمظاهری آشنا شد؛ جوانی که به تازگی دیلم گرفته بود، سرپازی نرفته بود و کار مناسبی هم نداشت، اما عاشق برای شروع زندگی آن دو نفر کفایت می‌کرد و تا پایان عمر همراه محمد امیرمظاهری ماند و او را به سوی هر چه دوست داشت سوق داد. پروانه قادرپناه، همسرش را «عاشق» می‌نامد؛ عاشق خانواده و کار. او درباره نحوه ورود شوهرش به کار روزنامه می‌گوید: «زمانی که محمد مشغول ساخت ساختمان‌های نارون شد، آقای عطریانفر به سراغ او آمد و پیشنهاد کرد تا برای راه‌اندازی روزنامه «شرق» سرمایه‌گذاری کند. محمد هم پذیرفت. من همیشه به او می‌گفتم این کار برای تو هیچ آورده‌ای ندارد، تو تمام ثمره مالی زندگی‌ات را در روزنامه خرج می‌کنی و برایت سود ندارد. پس چرا به این کار ادامه می‌دهی. او جواب می‌داد من عاشق این کار هستم. همین که می‌بینم صدها نفر در این روزنامه مشغول به کارند و خوشحال هستند برابرم کافی است. من دیگر پول نمی‌خواهم، همین که عاشق کارم هستم کافی است.»

همسر محمد امیرمظاهری در جریان بخشی از امور خیریه که همسرش انجام می‌داد بود اما بسیاری از آنها کارهایی بود که آقای امیرمظاهری انجام داده بود.»

www.sharghdaily.ir

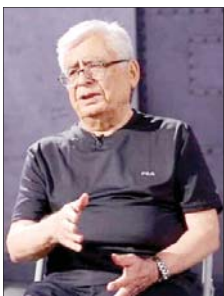
چهارشنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۰ • ۱۲ شعبان ۱۴۴۳ • ۱۶ مارس ۲۰۲۲  
سال نوزدهم • شماره ۴۲۴۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۳ • اذان مغرب ۱۸:۳۱  
اذان صبح فردا ۴:۴۹ • طلوع آفتاب ۶:۱۳

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

## گفت‌وگو با غلامعلی لطیفی، مترجم «رفیق دُن کامیلو» تعمیرکاری که روزنامه‌نگار شد

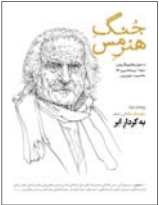


شرق: ماجراهای کتاب «رفیق دُن کامیلو» اثر جوانی گوارسکی، طنزنویس صاحب‌نام ایتالیایی در سال ۱۹۵۹ در ۱۴ شماره پیوسته در هفته‌نامه «کاندیدو» منتشر شد؛ نشریه‌ای که نویسنده کتاب آن را در میلان منتشر می‌کرد. غلامعلی لطیفی بخش آخر این داستان‌های به‌هم‌پیوسته را که حول محور شخصیت کشیشی به نام دُن کامیلو روایت می‌شوند، با عنوان «رفیق دُن کامیلو» ترجمه کرده که اخیراً در نشر فرهنگ معاصر به چاپ رسیده است. لطیفی می‌گوید این کتاب را ۲۰ سال پیش ترجمه کرده؛ دورانی که اتحاد جماهیر شوروی موضوع روز بوده است: «آن موقع شوروی فرو ریخته بود و این کتاب هم شهرت جهانی داشت و موضوع آن کمونیسم روسی بود که با آن روزگار مناسب داشت. برای همین کتاب را ترجمه کردم البته انتشار آن عقب افتاد تا امروز منتشر شد.» به گفته مترجم «رفیق دُن کامیلو»، دیگر کتاب‌های گوارسکی هم در انتشارات پنگوئن منتشر شده و همین دلیل بر اعتبار این آثار است. چنان‌که لطیفی می‌گوید «رفیق دُن کامیلو» آخرین قصه از مجموعه دُن کامیلو است که نویسنده در این بخش نهایی به نتیجه می‌رسد و این مجموعه را با سفر دُن کامیلو به شوروی ختم می‌کند. اهمیت و شهرت این قصه تا حدی است که فیلمی هم از روی آن ساخته‌اند که فرزند، هنرپیشه مطرح کمندی، در آن نقش دُن کامیلو را ایفا می‌کند. غلامعلی لطیفی با اشاره به این فیلم مطرح از کمونیسم ایتالیایی سخن می‌گوید که در اروپا بسیار مورد توجه بوده است: «کمونیسم ایتالیایی ضمن اینکه در اروپا نیز نقش بزرگی داشت، شکل دیگری داشته تا حدی که وقتی تئولاتی، رهبر کمونیسم ایتالیا درگذشت، به‌عنوان رئیس کشور تشییع شد و تا این حد احترام داشت. کمونیسم در ایتالیا وضعیت خاصی داشت و تا تغییر زمانه هم به‌کلی رفت بی‌کارش و به تاریخ پیوست.» ج.ز اینها، از جذبات‌های دیگر «رفیق دُن کامیلو» که غلامعلی لطیفی را به ترجمه‌اش ترغیب کرده، شناختی است که این کتاب از شوروی کمونیستی در دست می‌دهد و او معتقد است از این نظر نیز کتاب برای خوانندگان مفید خواهد بود. جوانی گوارسکی، در تمام دورانی که دست به قلم برد، با رویکردی نیش‌دار و طنزی تندوتیز سیاست‌های حاکم را مورد نقد قرار داد و علاوه بر نگاه انتقادی به کمونیسم شوروی و نوع ایتالیایی آن، همواره منتقدی تمام‌عیار بود که علیه فاشیسم و کمونیسم و حتی رادیکالیسم مسیحی انتقاد می‌کرد. لطیفی می‌گوید بسیار جالب است که گوارسکی با اینکه سابقه روزنامه‌نگاری نداشته، اما روحیه طنز و دید طنز قوی داشته و همین ذوق است که او را در کار انتشار مجله‌اش موفق می‌کند. «بنا بر نیست بگویم که دید طنز انتسابی نیست و پدیده‌ای مادرزادی است و گوارسکی این ذوق طنز را در خود داشته، وگرنه پیش از این حرف‌های تعمیر مونتورسیکلت بوده و در واقع متخصص تعمیرات موتور بوده است؛ اما ذوق طنز داشته و سرش برای سیاست درد می‌کرده و این است که من این بوده است.»

و از کمونیست‌سبزی دست می‌کشند، نشریه طنزآمیز گوارسکی هم که هجویه‌ای علیه کمونیسم است، جاذبه خود را از دست می‌دهد تا حدی که گوارسکی در سال ۱۹۶۲ مجبور می‌شود آن را تعطیل کند. گوارسکی چنان‌که مترجمش می‌گوید در کتاب «رفیق دُن کامیلو» در طرز فکر و جهان‌بینی متضاد را که در جامعه پس از جنگ ایتالیا حاکم بود، در برابر هم قرار می‌دهد. یک کشیش و یک کمونیست به‌عنوان نماد و نماینده این دو طرز تفکر حاکم، در مواجهه و مقابله با یکدیگر از مرام و مسلک خود دفاع می‌کنند و جمدانه بر حقانیت خود اصرار می‌ورزند. طنز گوارسکی نه تنها در قصه‌های دُن کامیلو که معروف‌ترین اثر او است، بلکه در تمام مطالبش موجب شهرت او شد و این طنز تند سیاسی حاصل چهار دهه حضور گوارسکی در کوره حوادث سیاسی و اجتماعی و وطنش ایتالیا از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ است. به قول مترجم کتاب «سیاری از حوادث این دوره نه‌فقط خالی از مایه‌های طنز نیست، بلکه برخی از آن حوادث در پرورش ذوق و مشرب فکری او اثرگذار بوده‌اند.» گوارسکی در دورانی که علیه فاشیسم می‌نوشت، مدتی هم در اردوگاه‌های نازی برای خوانندگان مفید خواهد بود. جوانی گوارسکی، در تمام دورانی که دست به قلم برد، با رویکردی نیش‌دار و طنزی تندوتیز سیاست‌های حاکم را مورد نقد قرار داد و علاوه بر نگاه انتقادی به کمونیسم شوروی و نوع ایتالیایی آن، همواره منتقدی تمام‌عیار بود که علیه فاشیسم و کمونیسم و حتی رادیکالیسم مسیحی انتقاد می‌کرد. لطیفی می‌گوید بسیار جالب است که گوارسکی با اینکه سابقه روزنامه‌نگاری نداشته، اما روحیه طنز و دید طنز قوی داشته و همین ذوق است که او را در کار انتشار مجله‌اش موفق می‌کند. «بنا بر نیست بگویم که دید طنز انتسابی نیست و پدیده‌ای مادرزادی است و گوارسکی این ذوق طنز را در خود داشته، وگرنه پیش از این حرف‌های تعمیر مونتورسیکلت بوده و در واقع متخصص تعمیرات موتور بوده است؛ اما ذوق طنز داشته و سرش برای سیاست درد می‌کرده و این است که من این بوده است.»

پیشخوان

محمدرضا اصلانی، حیات فرخمنش، سیدعلی صالحی، اردشیر صالحپور، عزت قاسمی، فیض شریفی، فرامرز سهدی، شمس آقاچانی، سام گیوراد، ح. تافت، سینا خزیمه، رضا حیرانی، رحیم رسولی، علی قنبری، غلامرضا صراف، عنایت چرزبانی، آتفه چهارمحالیان، علی عبداللهی، مسعود شهریاری، داریوش باقری‌نژاد، مهدی مرادی، سیدحمید شریف‌نیا، صادق آتش‌زور، سعید اسکندری، علی یاری، هادی طیبه، علیرضا رعیت، آرش رضویان، علی جهانگیری، سربا داودی و آتاه هوشنگ چالنگی که در آبان امسال درگذشت، در پرونده‌ای با عنوان «به کردار ابر» پرداخته شده است. «بی‌حاشیه بود و تیزهوش و فروتن» از علی باباجانی، «بی‌ادعا بود و اثرگذار» از شمس لنگرودی؛ به همراه مطالب و شعرهایی تقدیمی از علی عبدالله‌پور، منوچهر آتشی، حمید عرفان، مظفر رویایی، مسودابه فضیالی،



### جُنْگ هنر مس و ویزه هوشنگ چالنگی

شماره بیستم فصلنامه «جُنْگ هنر مس»، به‌عنوان ویژه‌نامه نـرورز ۱۴۰۱ در ۲۴۸ صفحه و همراه با پرونده‌ای برای شاعر معاصر «هوشنگ چالنگی» منتشر شد. در این شماره به زندگی و آثار هوشنگ چالنگی که در آبان امسال درگذشت، در پرونده‌ای با عنوان «به کردار ابر» پرداخته شده است. «بی‌حاشیه بود و تیزهوش و فروتن» از علی باباجانی، «بی‌ادعا بود و اثرگذار» از شمس لنگرودی؛ به همراه مطالب و شعرهایی تقدیمی از علی عبدالله‌پور، منوچهر آتشی، حمید عرفان، مظفر رویایی، مسودابه فضیالی،

کودکی - ۳

پژوهشی درباره آرایش دختران زیر ۱۲ سال  
وقتی زیبایی ملاک همه چیز است\*

نعیمه حسینی . فایق رسولی

• تحقیقی درباره استفاده از لوازم آرایشی و مراجعه دختران زیر ۱۲ سال به آرایشگاه بزرگسالان در شهرستان سقز صورت گرفته است. جامعه آماری این پژوهش تعدادی از آرایشگاه‌های سطح شهر و همچنین یکی از مدارس مقطع ابتدایی است. به‌دلیل اینکه فرصت ارتباط با خود کودکان و سؤال از انگیزه‌ها و شنیدن نظراتشان فراهم نشد، تمرکز این تحقیق بیشتر بر به‌دست‌آوردن آماری نسبی از کودکان مصرف‌کننده لوازم آرایشی است.

مدیر این دبستان دخترانه می‌گوید کودکان به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- کودکانی که در وضعیت مالی نامناسبی هستند. دنیای این کودکان خیلی متفاوت است. چون آنها حتی به سختی به فکرشان خطور می‌کند که به این مسائل توجه کنند. فکر آنها به کمترین چیز ممکن که شاید شامل یک کیف یا عروسک یا تقذیه باشد، مشغول است.

۲- دسته دوم کودکانی که از نظر مالی در وضعیت متوسطی هستند. این کودکان کمابیش با وسایل آرایشی آشنایی داشته و دوست دارند به هر طریق ممکن به این وسایل دسترسی داشته باشند و از کودکان قشر مرفه تقلید می‌کنند.

۳- کودکان قشر مرفه. این کودکان به نسبت دیگر کودکان استفاده بیشتری از لوازم آرایشی می‌کنند تا جایی که تاکنون چندین مورد تذکر و احضار اولیا به‌خاطر این موضوع در کارنامه مدرسه ثبت شده است. هرچند نسبت قشر مرفه جامعه شهری شهرستان سقز به نسبت دیگر اقلشار کمتر است. اما نسبت استفاده از لوازم آرایشی کودکان این قشر بیشتر است. هرچند در میان آنها نیز خانواده‌هایی هستند که بیشتر به دلیل اعتقادات مذهبی از استفاده کودکانشان از لوازم آرایشی معانتت به عمل می‌آورند. این مدیر مدرسه می‌گوید احساس مسئولیت مدیران مدارس، متولیان آموزشی و خانواده‌ها در این خصوص و اولویت شادای و بازی برای کودکان و برقراری یک رابطه نزدیک با آنها می‌تواند در دادن آگاهی‌های درست و کافی به دختران و ایجاد فضایی که این کودکان کمتر به استفاده از این وسایل گرایش پیدا کنند، تأثیر بسزایی داشته باشد. در آرایشگاه‌های بزرگسالان وضع کمی متفاوت است و از هر سه قشر مراجعه‌کننده وجود دارد، البته سهم طیف اول بسیار کمتر است و در کل مراجعه کودکان بیشتر به مراسم‌هایی مانند جشن تولد، عروسی و... مربوط می‌شود.

همچنان که اشاره شد، یکی از تبعات گرایش و کشش زود هنگام کودکان به لوازم آرایش و جشن به دنیای بزرگسالان، در معرض آسیب قرار گرفتن آنان است. طوری که جدای از مورد توجه قرار گرفتن بیشتر کودکانی که از لوازم آرایشی استفاده می‌کنند، مواردی نیز وجود دارد که به تأمین مخارج این وسایل مربوط می‌شود و این به‌ویژه درباره کودکان قشر نـدار جامعه می‌ماند همه اقلشار دیگر در ورطه این رقابت فروغلتیده‌اند. صادق است. آنچه ما می‌خواهیم بگویم نه این است که بشر را به دوران پیشاتاریخ و به درون غارها بازگردانیم، بلکه توجه به اهمیت نگرش ما به پدیده‌ها و تحلیل درست آنهاست. موضوع ما نه اساسا توجه به زیبایی یا به‌کاربردن لوازمی برای بهتر نمایانده شدن و جلب و جذب دیگران به خود به هر دلیل، بلکه ابزارگونگی زیبایی برای تبدیل‌کردن بشر به کالا و همچنین کارکرد لوازم آرایشی در این پروسه است. قطعا بشر به عقب بازمی‌گردد و بخشی از جهانی که اکنون نظام سرمایه ساخته است و امکاناتی مانند لوازم آرایشی و... احتمالا به آن سوی تاریخ بشر نیز برود؛ اما برخورد آگاهانه با مسائل و پدیده‌ها حتما در تعیین جهت مسیر تاریخ مؤثر خواهد بود؛ بنابراین در این کشف‌های تاریخی بسیار اهمیت دارد که با آنها چگونه برخورد شود و مهم‌تر از آن آیدنگار چگونه پرورش یابند.

«بخش اول و دوم این تحلیل در روزهای پیش منتشر شده است و در آن درباره شکل‌گیری پدیده آرایش و تحلیلی درباره روند استفاده از آن توسط دختران ارائه شده است.

اتفاق



**فرانس ۲۴:** ایلان ماسک، کارآفرین میلیاردر، از رهبر روسیه خواست به جای آنکه سربازانش را به جنگ در آن سوی مرزها نفرستد، خود یا به صحنه نبرد بگذارد. او نوشت: «من به این وسیله ولادیمیر پوتین را به مبارزه‌ای تن به تن دعوت می‌کنم» و به روسی افزود: «آیا این مبارزه را می‌پذیرید؟»



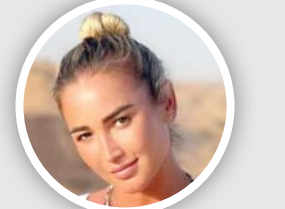
**دبلی‌میل:** دارایی‌های صدها نفر از الیکارهای روسی، سازمان‌ها و اشخاص نزدیک به پوتین قرار است توسط دولت انگلیس به نخست‌وزیری بوریس جانسون مسدود شود. این اقدام از سوی دولت لندن پس از آن صورت می‌گیرد که لایحه‌ای برای هدف قراردادن «پول کثیف» تصویب شده است.



**ایستا:** حدود شش ماه از انتصاب محمد الهیاری در سمت مدیرکلی دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی می‌گذرد و او همچنان مسئولیت سرپرستی دفتر موسیقی را هم‌زمان عهده‌دار است. حدود یک ماه هم از وعده وزیر برای انتخاب مدیر جدید دفتر موسیقی می‌گذرد، اما همچنان تکلیف این نهاد مهم سیاست‌گذار در حوزه موسیقی مشخص نشده است.



**ایرنا:** به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور امونول مکرون این بار شروع به تقلید از مد روزترین رهبر اروپایی کرده است؛ ولودیمیر زلنسکی! رئیس‌جمهور اوکراین در بجنوبه حمله روسیه به کشورش، سه هفته گذشته را با پوشیدن کاپشن‌ها، ژاکت‌ها و تی‌شرت‌های ساده خاکی گذراند و تصاویر او در تمام شبکه‌های اجتماعی مورد استقبال قرار گرفته است.



**ایندیپندنت:** چهره‌های مشهور روس که در اینستاگرام، رسانه اجتماعی به‌اشتراک‌گذاشتن تصویر و ویدئو، میلیون‌ها دنبال‌کننده دارند، پس از ممنوعیت اینستاگرام در این کشور، با هواداران خود خداحافظی کردند که بسیار مورد انتقاد واقع شد. یکی از این ستاره‌ها که میلیون‌ها دنبال‌کننده خداحافظی اشک‌بارش را دیدند، اولگا بوزووا بود.



**شبکه‌های اجتماعی:** محمود احمدی‌نژاد، برای دومین بار تلاش‌های آنجلینا جولی در جلب توجه جهانی به بحران پناهجویان را ستایش کرد. او به انگلیسی نوشت: «گشتن و آواره‌کردن وزیر با گذاشتن حق تعیین سرنوشت انسان‌ها، از هر رنگ و نژاد و دین، تحت هر عنوان که باشد، محکوم است. احساس مسئولیت خانم آنجلینا جولی نسبت به مردم یمن شایسته تقدیر است.»